

هورا بکشید و هو کنید!

برنده‌ها و بازنده‌های سال درخشان تیم ملی



فوتبال ایران یک سال جذاب و هیجان‌انگیز را تجربه کرد. تیمی که از قعر دروازه‌های جهنم حذف شد و به بهشت رؤیایی صعود زود هنگام به جام جهانی رسید تا یک سال درخشان برای فوتبال ملی ما رقم بخورد. سالی سخت که نگران‌کننده و پراز تشویش آغاز شد و دلشوره‌های حذف از مرحله نخست جام جهانی یک لحظه ما را آرام نمی‌گذاشت اما تیم ملی همه تلخ اندیشی‌ها را کنار زد و با صلابت و اقتدار کم دیده شده‌ای به عنوان نخستین تیم قاره پهناور به دروازه‌های جام جهانی رسید. در این سال پرهیاهو مثل همیشه چند چهره برنده بودند و در موفقیت تیم ملی نقشی پررنگ و اساسی بازی کردند و در مقابل برخی از چهره‌ها نیز با وجود موفقیت تیم ملی چهره یک بازنده را داشتند که حتی موفقیت رشک برانگیز تیم ملی نیز سبب نشد تا نقاب ناکامی از چهره آنها برداشته شود. مرور برنده و بازنده‌های سال تیم ملی می‌تواند تصویر روشن‌تری از آنچه بر تیم ملی در یک سال سخت اما موفق رفته، ارائه دهد.

آیسان سعیدی



دراگان اسکوپچ

او را باید خوش شانس‌ترین مربی دنیا دانست. مردی که از هیچ به همه چیز رسید و این جهش عجیب و ناگهانی را بیشتر از اینکه مرهون کیفیت، دانش و توانایی‌های خود باشد، مدیون بی‌کفایتی، استیصال و ناتوانی فدراسیون فوتبال است. فدراسیونی که بعد از یک انتخاب غلط و سوءتفاهمی به نام مارک ویلموتس چاره‌ای به جز دست‌درازی به گزینه‌های دم‌دستی نداشت و در کویر فوتبال ایران تنها مربی خارجی باقی مانده اسکوپچ بود. دراگان ناگهان از یک مربی متوسط لیک برتری با سابقه حضور در لیگ یک و باشگاه بی‌هویت خونه به خونه، روی نیمکت تیم ملی فوتبال ایران نشست و به خوبی قدر این هدیه الهی را دانست. مربی که برخلاف شیدای چون ویلموتس می‌دانست چه گنجینه‌ای به او ارث رسیده و تنها کافیست از این گنج خرج کند. تیم ملی با اسکوپچ و ستاره‌های دانه درشتش در دور برگشت مرحله نخست مقدماتی و در حالی که در لبه پرتگاه سقوط قرار گرفته بودیم، به سلامت عبور کرد و در مرحله پایانی جام جهانی سریع‌ترین صعود تاریخ فوتبال آسیا به جام جهانی را رقم زد. اسکوپچ حالا خود را در جام جهانی می‌بیند؛ رؤیایی که شاید تا یک سال پیش او در خواب هم آن را تصور نمی‌کرد.

مهدی طارمی

دو فصل پیش پس از درخشش در ریوآوه، در یک انتقال هیجان‌انگیز پیراهن پورتو، تیم نخست لیگ پرتغال و مشتری همیشگی و شگفتی‌ساز لیگ قهرمانان را بر تن کرد و در پورتو بزرگ و پرستاره نیز بی‌کس شد، گل زد و آنچنان درخشید که محبوبیتش حتی از رئیس جمهور پرتغال نیز فراتر رفته! ۱۴۰۰ سال جا افتادن طارمی در پیراهن پورتو بود آنچنان که آوازه‌اش حتی از مرزهای پرتغال نیز فراتر رفت و او را به تالار افتخارات فیفا رساند و نامزد دریافت جایزه پوشکاش شد. طارمی به موازات درخشش در پرتغال، با پیراهن تیم ملی نیز شاهکار کرد و با گل‌های حیاتی‌اش ابتدا تیم ملی را از گردنه صعب‌العبور مرحله نخست مقدماتی در منامه عبور داد و در مرحله نهایی انتخابی نیز آنقدر گل زد که تیم ملی بدون دردسر و زودتر از همیشه صعودش را به جام جهانی را جشن بگیرد. ستاره‌ای که حالا با گل‌های سریالی‌اش برترین گلزن انتخابی جام جهانی در قاره آسیا محسوب می‌شود. فراموش نکنید این آمار سحرانگیز در حالی ثبت شده که طارمی دو بازی تیم ملی را به دلیل تنبیه انضباطی از سوی اسکوپچ از دست داد. تنبیهی که تنها نقطه تاریک در کارنامه درخشان مهدی در سال ۱۴۰۰ به شمار می‌رود.



سردار آزمون

دیگر به خبر گل‌های او در لیگ سرد و بدون هیجان روسیه عادت کرده بودیم. ستاره‌ای که قریب به ۷ سال در روسیه بیتوته کرد و تقریباً تمامی تیم‌های مطرح روسیه را دور زد اما به اندازه‌ای در آنجا ماند که دیگر گل‌های سریالی و هفتگی‌اش کسی را به وجد نمی‌آورد. سردار در تمام این سال‌ها همپای گل‌هایش به یک تیم جدید لینک شد و تقریباً نامش در کنار تمامی تیم‌های اروپایی قرار گرفت اما این شایعات جذاب رنگ تنها روی کاغذ اعتبار داشتند و در واقعیت آزمون به هیچ تیمی نرفت. بنابراین وقتی خبر رسید سردار در رادار لورکوزن تیم مطرح و قدیمی بوندس لیگا قرار گرفته، هیچکس آن را باور نکرد و جدی نگرفت. حتی زمانی که ستاره ایرانی با پیراهن لورکوزن عکس یادگاری انداخت، برخی‌ها آن را یک فتوشاپ قلمداد کردند و معتقد بودند این بار هم خبری نیست اما این بار خبری بود! آزمون سرانجام از لیگ روسیه دل کند و به آلمان رفت تا هیجان‌انگیز ترانسفر سال رقم بخورد. امتداد سال درخشان سردار به تیم ملی نیز کشیده شد؛ آنجا که در تیم ملی بسان همیشه درخشید و گل زد تا سهم عمده‌ای در صعود به جام جهانی داشته باشد.



۴ امیرعابدزاده

برای او همه چیز در هدفش خلاصه شده. ستاره بی‌ادعایی که از پدرش آموخته بیشتر از اینکه زبانش کار کند، باید عضله‌های بدنش را به کار بیندازد. او که همیشه زیر سایه بزرگ و سترگ اسطوره‌ای به نام احمد عابدزاده قرار داشت و این نام بزرگ بیشتر از آنکه به او کمک کند، بال‌های پروازش را چید تا بچه عقاب برای پرواز کردن نیازمند رنج و مرارت بیشتری باشد. او سال‌های طولانی را پشت دیوار بلند نام بزرگ پدر ایستاد و دم برنیارود تا سرانجام موفق شد از این دیوار عبور کند. بعد از یک فصل درخشان در ماریتیمو راهی لالیگای یک شد تا شانس خود را در تیم کوچک پونفراادینا امتحان کند. یک چالش عجیب که امیر مسیر موفقیت را در آن ادامه داد. هدف او اما تصاحب قفس توری تیم ملی بود. بچه‌عقاب همانند کنیه‌اش آرام و تیزچنگ منتظر نشست تا لحظه موعود فرا برسد. لغزش بیرانوند در برابر لبنان کافی بود که اسکوپچ به او فرصت بدهد و بچه‌عقاب نیز این هدیه را روی هوا قاپید و دیگر از دست نداد. ۳ بازی بدون گل خورده و نمایش قابل قبول در مسیر صعود یعنی اینکه او فعلاً شماره یک ایران است و بعید است قفسش را در جام جهانی به رقبای واگذار کند.

